

تکایا در بافت قدیم شهر بابل

زهرة بزرگ نیا



کچا تکیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تال جامع علوم انسانی

حسینیة: تکیه‌ای که در آنجا مرثیه‌ی حسین بن علی را خوانند و عزاداری کنند (صفحه ۱۳۵۷)

فرهنگ عمید تکیه و حسینیة را یکی دانسته است.

محمود توسلی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «حسینیة‌ها، تکایا، مصلی‌ها»، تکیه و حسینیة را به طور عام یکی فرض نموده است. در آن مقاله آمده است که:

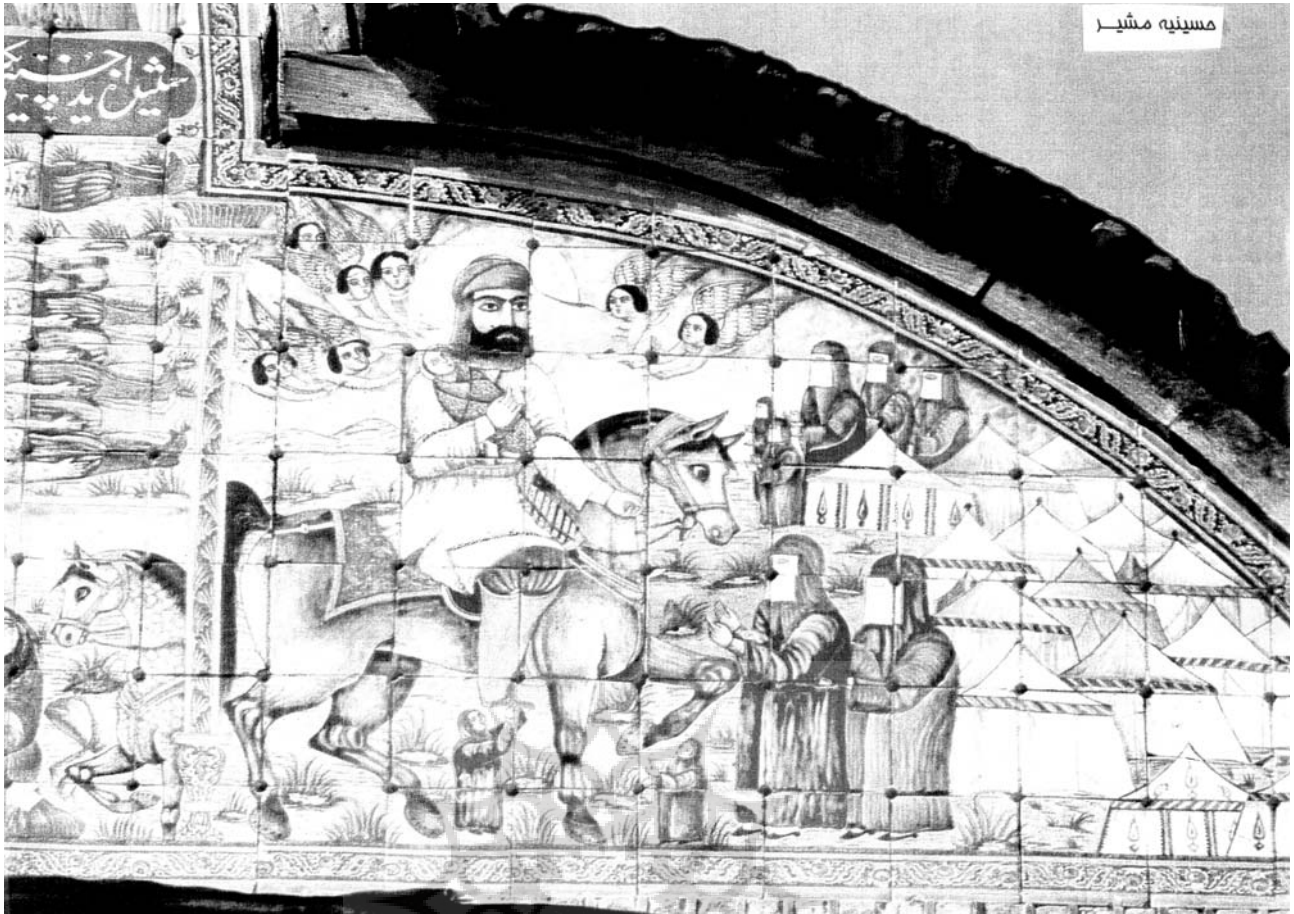
«در شهرهای قدیمی ایران تکیه، میدان و حسینیة فضاهای محصور بوده‌اند که در مسیر گذرهای اصلی شهر قرار داشته‌اند. این فضاها اغلب به صورت فضای عمومی یعنی جزیی مهم از گذر اصلی یا به صورت فضایی بسته اما در ارتباط با گذر اصلی وجود داشته‌اند. فضای تکایا و حسینیة‌ها به ویژه در اعیاد اسلامی و ایام سوگواری به خصوص محرم مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. ... در مورد وجه تمایز تکیه و حسینیة و عملکرد خاص

مفهوم تکیه و حسینیة در فرهنگ و زبان فارسی گاهی چنان به هم آمیخته می‌شود که تفکیک آن به سختی ممکن می‌گردد. در مقاله‌ی حاضر تعاریف مختلف محققان و نمونه‌های معرفی شده در شهرهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. سپس ضمن آشنایی کوتاه در زمینه‌ی تاریخی، بافت و سازمان شهری و نقش تکایا در محله‌های شهر بابل به معرفی تفصیلی تکایا و سقائفار آنها پرداخته شده و در نهایت تعریفی مشخص از این دو مکان ارائه گردیده است.

در فرهنگ لغات محمد معین تکیه و حسینیة به شرح زیر معنی شده است:

تکیه: پشت دادن به چیزی، پشت نهادن، محل نگاهداری تهیدستان، جایی وسیع که در آن مراسم عزا و روضه‌خوانی برپا کنند، تکیه حسینی

(صفحه ۱۱۲۹)



هر یک از این دو عنصر در شهر و محلات به دقت نمی‌توان اظهار نظر کرد، چرا که در شهرهای ایران وضع متفاوت بوده است».

در نشریه‌ی صُفَه شماره بیست و ششم در مقاله‌ی «مبانی نظری مکان‌یابی مساجد ایرانی در ادوار مختلف» نوشته‌ی احمد اصغریان جدی، تکیه و حسینی‌به شرح زیر توضیح داده شده است:

«حسینی‌به، همان‌طور که از نامش پیداست این فضا تذکاری بر حماسه‌ی امام حسین (ع) است. هیچ قید شرعی بر این فضا حاکم نیست. بنابراین قیود حاکم بر مسجد، مانند داشتن غسل واجب بر آن جاری نمی‌گردد... حسینی‌به‌ها فضاهای چند عملکردی خاصی را با هویت‌های معماری سنتی و بومی هر منطقه در نزدیکی مساجد بوجود می‌آورند که گاهی جنبه گذرگاه عابر پیاده را هم داشته است.

تکیه، در مواردی که امکان مالی برای احداث حسینی‌به نبوده است، فضای مشخصی برای مراسم عزاداری ماه محرم تخصیص می‌یافته است. این فضا اغلب از فضاهایی مثل انبار، زیرزمین، معابر عمومی و...

حسینی‌به‌های هفت‌گانه شهر نایین و نیز حسینی‌به‌های شهر یزد که در مقاله‌ی توسلی آمده است از این نوع می‌باشد.

در کتاب زواره نمادی از اسطوره‌ی کویر تألیف علی غفاری آمده است: «دو میدان اصلی زواره که نقش و عملکرد اصلی آنها مذهبی است به عنوان دو حسینی‌به در شهر ساخته شده است. یک میدان در انتهای بازار (حسینی‌به بزرگ) و دیگری در مسیر شرقی - غربی شهر و نزدیک مسجد



ترتیبات کاشی در تکیه معاون الملک

از تکیه معاون الملک
به عنوان محلی برای
رفع اختلافات قومی و
عشایری نیز استفاده
می شد و گروه های
متنازع به حرمت این بنا
از دشمنی های دیرین
چشم می پوشیدند و
به این ترتیب تکیه به
منزله ی محکمه عرفی با
اعتباری مذهبی از اهمیت
برخوردار بوده است

برای تعریف تکیه می توان گفت مکانی است برای عزاداری ماه محرم و یا اعیاد مذهبی که دارای دو وضعیت است. اولی موقتی و با نصب چادر و یا اختصاص منازل مسکونی و غیره در آن ایام به مراسم عزاداری استفاده می شود و دومی به صورت دائمی و به این منظور بنا می شود. در شهرهای مختلف تکابای ساخته شده و دائمی به اشکال گوناگون مشاهده می شود و شکل دائمی آن چهار نوع است.

– بزرگ ترین تکیه ی دائمی در ایران تکیه دولت بود که در عهد ناصری بنا گردید و تا نیم قرن پیش باشکوه ترین مراسم عزاداری و شبیه گردانی در آنجا انجام می گردید. تکیه دولت شامل یک محوطه وسیع و بنای چهار طبقه ی عظیمی بود که به وسیله ی حسینعلی مهربان ساخته شده و به غیر از عزاداری برای امور دیگر دولتی نیز به کار گرفته می شد. این تکیه با طرح غیر معمول مشابه آمفی تئاترهای غربی بوده است.

– تکیه میرچخماق یزد شامل حجره های سه طبقه و میدان وسیعی در مقابل آن بوده که با دهانه ی یکی از بازارهای قدیم و سر در آن یکی محسوب می گردد. بنای این تکیه نیز متعلق به قرن سیزدهم هجری قمری، در عهد قاجار است که استاد محمد بنا، معمار آن بوده است.
– تکیه ی دیگر، تکیه سرپوشیده تجریش است که اطراف آن را

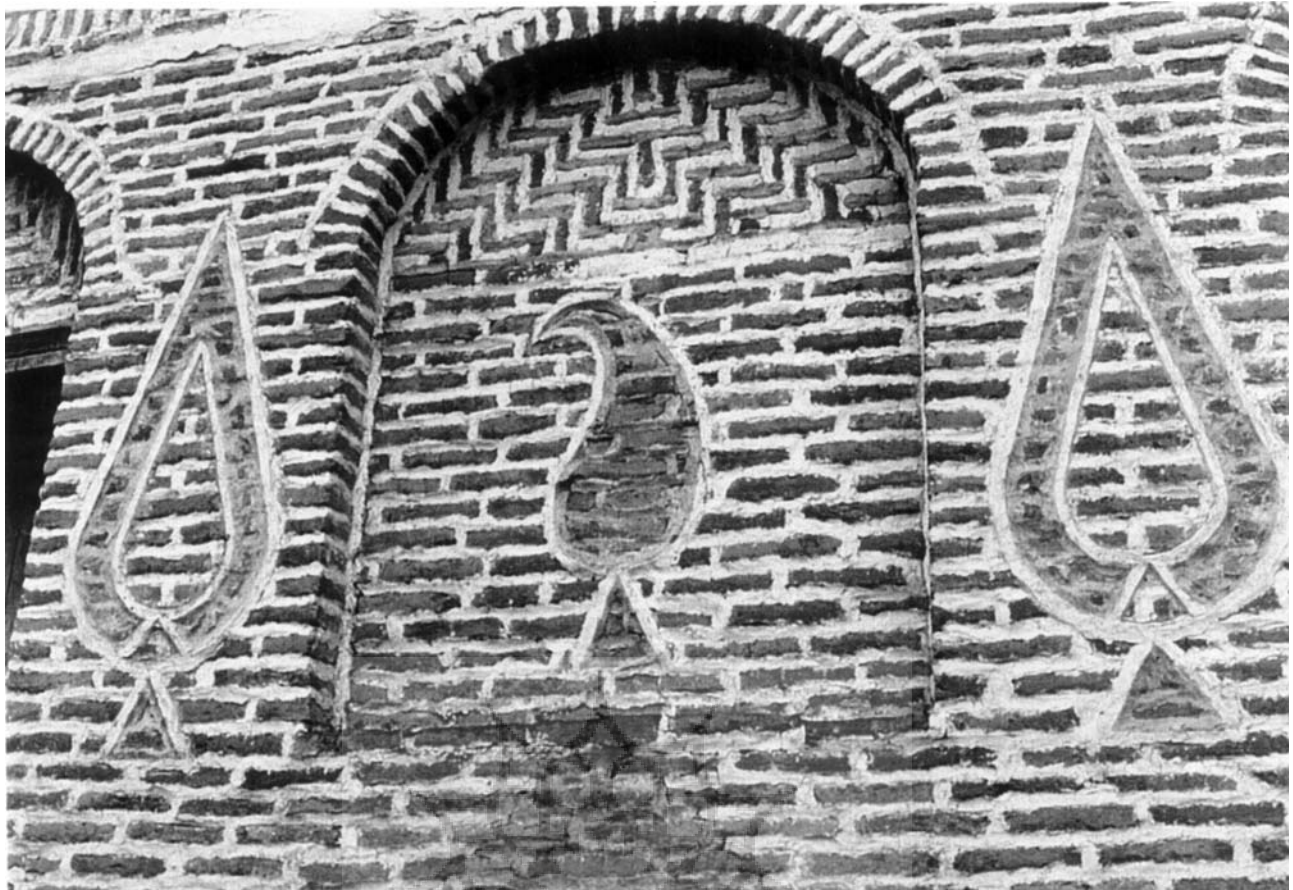
جامع ساخته شده است. در جوار هر دو میدان (حسینیه سرباز) یک حسینیه سرپوشیده ساخته شده است.»

به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که نظر توسلی مبنی بر اینکه تعریف یکسانی در کل شهرها از تکیه و حسینیه وجود ندارد و تفاوت این دو واژه از نظر عملکردی مشخص نیست صحیح است ولی در مجموع می توان تعریف اصغریان جدی درباره ی حسینیه را از نظر عملکردی پذیرفت ولی از نظر کالبدی حسینیه سه نوع است.

– بر سر راه و گذری قرار می گیرد و بخشی از آن می شود مانند نمونه های نائین و یزد که در واقع بدنه سازی کم عمقی در اطراف میدانچه ها را تشکیل می دهد و فضایی است سرباز.

– مانند نمونه های بررسی شده در کتاب زواره نمادی از اسطوره ی کویر در کنار حسینیه ی سربازی مشابه حسینیه های نائین و یزد فضای سرپوشیده و مستقل به نام حسینیه ی سرپوشیده وجود دارد.

– مانند حسینیه ی نواب و شوکتیه در بیرجند ساختمانی است دو طبقه با حیاط مرکزی با ورودی مشخص که تنها یک درب ورود و خروج دارد و محل گذر نیست و یا حسینیه ی مشیر در شیراز که مشابه دو حسینیه فوق است.



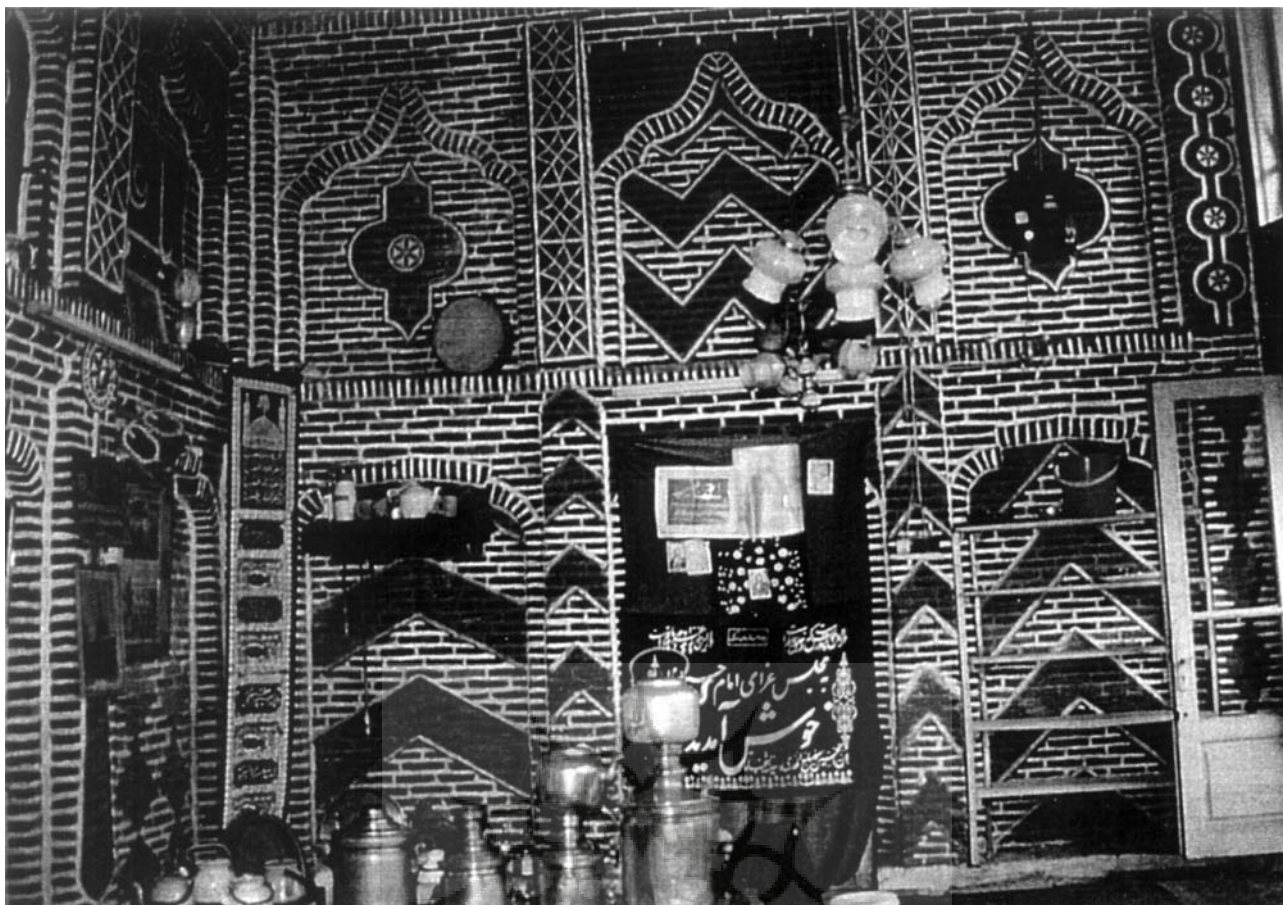
کتابخانه، قرائت‌خانه و تعدادی مغازه احاطه کرده و در روزهای عادی به صورت بازار روز از آن استفاده می‌شود و تکیه ناسار سمنان مشابه آن می‌باشد.

– تکیه، در کرمانشاه مفهومی وسیع‌تر دارد. مثلاً در تکیه معاون‌الملک، حسینیه بخشی از تکیه بوده است و دو ساختمان دیگر به نام زینبیه و عباسیه نیز بخشی از تکیه محسوب می‌گردند. این مکان در کرمانشاه گاهی نیز به نام حسینیه معاون‌الملک خوانده می‌شود. در راهنمای میراث فرهنگی استان کرمانشاه آمده است:

«تکیه دو حیاط و یک عمارت در میان دارد و دیواره‌های حسینیه به طور کلی پوشیده از کاشی‌های گوناگون با رنگ‌های متنوع و زیباست. کاشی‌سازان که امضاء و رقم آنها در پای کاشی‌ها نقش زده شده، صحنه‌های جالب و متنوعی را تجسم بخشیده‌اند و صورت رجال و بزرگان دوره قاجاریه به ویژه بزرگان مذهبی و عشایر کرمانشاه را با قلمی ظریف و رنگهای طبیعی بر کاشی‌ها نقش کرده‌اند. بر روی هم روایات، قصه‌ها، داستان‌های تاریخی، اساطیری، اخبار دینی و مذهبی مضمون نقش‌هاست، از جمله بارگاه حضرت سلیمان دیده می‌شود که رستم،

پهلوان داستانی ایران نیز خاضعانه در آن حضور دارد. در رواق دیگر نیز تصاویر اساطیری پیش از اسلام ایران را بر کاشی‌های برجسته و نیم برجسته قلمی کرده‌اند. نقوش هندسی برخی از کاشی‌ها نیز زیباست. در عمارت میانی یا زینبیه سقف رواق‌های دور تا دور با صحنه‌هایی از وقایع صحرای کربلا و عاشورا آرایش یافته است. همین بخش در ایام محرم در دوران قاجار به روضه‌خوانی و تعزیه‌گردانی اختصاص داشته است. در آینه‌کاری و گچ‌بری تکیه نیز نهایت مهارت به کار رفته است.

بانی تکیه مرحوم حسن معینی معروف به معین‌الرعا یا بوده که در سال ۱۳۱۵ قمری به ایجاد آن همت گماشته است. در آن زمان از تکیه معاون‌الملک به عنوان محلی برای رفع اختلافات قومی و عشایری نیز استفاده می‌شد و گروه‌های متنازع به حرمت این بنا از دشمنی‌های دیرین چشم می‌پوشیدند و به این ترتیب تکیه به منزله‌ی محکمه عرفی با اعتباری مذهبی از اهمیت برخوردار بوده است. چون در گرماگرم مشروطیت بخشی از تکیه آسیب دید. معاون‌الملک در ۱۳۳۱ هجری قمری تکیه را احیا و خرابی‌ها را ترمیم کرده است و به همین جهت بنا به نام وی معروف شد.»



یک اتاق است که گاهی یک راهرو و گاهی دو راهرو در جنب اتاق قرار دارد که در بعضی از نمونه‌ها راهرو طبقه‌ی همکف با پلکان به فضای کوچکی در طبقه‌ی اول ارتباط می‌یابد. در شهر بابل اغلب در جنب هر تکیه یک ساختمان کوچک به نام سقائفار یا سقائفار قرار دارد که خدمات تکیه را تأمین می‌نماید. سقائفارها بیشتر در زمان قاجاریه ساخته شده‌اند و مانند سقاخانه‌ها در سایر نقاط ایران به غیر از جنبه خدماتی (دادن آب و شربت به عزاداران) دارای جنبه تقدس نیز می‌باشند و بسیاری از حاجت‌مندان شب را در آنجا به صبح می‌رسانند. نغار در بابل به آلاچیق یا دکه‌ی چوبی که سقفش را با گاله می‌پوشانند گفته می‌شود. مانند باغ نغار که در وسط باغ ساخته می‌شود.

در ذیل به معرفی چند نمونه می‌پردازیم.

تکیه پنجشنبه بازار

این تکیه که در مرکز محله‌ای به همین نام قرار دارد شامل یک فضای اصلی و دو کفش‌کن و آبدارخانه است که در حال حاضر یکی از آنها به مغازه تبدیل شده است. در انتهای دو کفش‌کن پلکانی برای دسترسی به طبقه‌ی اول (اتاق روی کفش‌کن) وجود داشته که در حال حاضر تخریب گردیده است.

در همان مأخذ (راهنمای میراث...) درباره تکیه‌ی دیگری به نام بیگلربیگی توضیحاتی داده شده که مؤید مفهوم وسیع‌تر تکیه در این شهر است:

«تکیه بیگلربیگی در میانه‌ی کوچه بن‌بستی در حاشیه خیابان اصلی شهر کرمانشاه واقع شده و مشتمل بر دو قسمت است. بخشی که با در بزرگی همراه با ارسی زیبایی از حیاط جدا می‌شود. حسینیه دارای سقف گنبدی شکل است و قسمت‌های درونی آن آینه‌کاری شده است. طبق کتیبه موجود آینه‌کاری‌ها در سال ۱۳۲۶ انجام شده است. سایر بخش‌های تکیه یعنی ساختمان‌های اضلاع شمال شرقی و جنوبی به صورت اتاق‌های نشیمن ساخته شده که در بخش تحتانی اتاق‌های شمالی زیرزمینی به شکل حوض‌خانه موجود است. راهرویی با سقف جناغی در قسمت جنوب شرقی و حیاط خلوتی در بخش جنوب غربی از مشخصه‌های دیگر این بناست. قدمت تکیه به دوران قاجار می‌رسد.»

تکایا در بافت قدیم شهر بابل

این ساختمان‌ها که اغلب در مرکز هر محله قرار دارند - مرکز محله لزوماً مرکز فیزیکی آن نمی‌باشد - در بابل مکانی است برای عزاداری ماه محرم که بیشتر مردان از آن استفاده می‌نمایند. این تکایا اغلب شامل



ساختمان از یک فضای اصلی و یک کفش کن تشکیل شده است. نمای این تکیه دارای تزیینات مختصر کاشی و فضای اصلی نیز دارای چهار پنجره چوبی است.

تکیه مرادبیک

بنایی یک طبقه با سقفی مرتفع که دو ورودی آن با راهرویی به فضای اصلی تکیه راه می‌یابد. نمای داخلی آن آجری با بندکشی سفید است که نقش‌های متنوعی با رنگ آجری تیره و بندکشی سیاه بر روی آن ترسیم شده است. برخی از این نقش‌ها هندسی است مانند لوزی و مثلث و ... و برخی دیگر گل و بوته و سرو و ... در طاق نماهای آجری از قوس سه مرکز پاتوپا استفاده شده است.

نمای ساختمان به طور کلی چوبی است که چهار جرز آجری با نقش سرو تزیین یافته نما را به سه قسمت تقسیم می‌کند. سقف ساختمان سفالی و بنیان‌گذار آن حاج محمد اسمعیل سعیدی است. سه پله‌ی سنگی، ورودی را از میدان مقابل جدا می‌نماید. کف تکیه حدود یک متر از کف میدان بلندتر است. این تکیه در مرکز محله مرادبیک قرار دارد و پلان و نمای آن قرینه است.

دیوارهای داخلی از آجر با بندکشی سفید و سیاه است و با نقش‌های متنوعی تزیین شده است سراسر ضلع جنوبی آن پنجره است و رو به روی پنجره‌ها چهار عدد طاقچه مشاهده می‌شود. سمت شرق و غرب آن یک در وسط و دو طاقچه در دو طرف آن است که به کفش کن ارتباط می‌یابد. سقف تکیه از سفال و قوس‌های تزیینی استفاده شده در داخل آن مغولی است.

تکیه باقرناظر، ملاجعفر، نقیب‌کلا

این تکیه در مرکز محله‌ای به همین نام قرار دارد و بنایی است یک طبقه با سقف سفالی که ضلع سمت کوچه‌ی آن به طور کلی پنجره است. این تکیه از یک فضای اصلی و یک کفش کن تشکیل شده و داخل آن فاقد هرگونه تزیینات است و در رو به روی آن سقائفار دو طبقه‌ای مشاهده می‌شود.

تکیه‌ی ملاجعفر در مرکز محله طاق داربن قرار دارد و سقائفار نیز در مجاورت آن مشاهده می‌شود. در این محله منزل آقای خلیل رحمانی نیز وقف عزاداری برای امام حسین (ع) گردیده است. یعنی در ماه محرم این خانه به تکیه تبدیل می‌گردد.



تکیه کاظم بیک

تکیه کاظم بیک

تکیه کاظم بیک بنایی است یک طبقه که نمای آن از آجر با بندکشی سفید تشکیل شده و سه جرز آجری به رنگ سیاه با بندکشی سفید در دو گوشه و وسط آن قرار گرفته است که مانند ستونی آجری عمل می نماید. این سه ستون دارای سرستون ساده آجری می باشد که سقف سفالی تکیه بر روی آن قرار گرفته است. این سقف در قسمت زیرین با چوب پوشیده شده است. ارتفاع کف تکیه از میدان مقابل حدود یک متر است و شکل سنگی سیمانی یک متری آن به رنگ سیاه است. در نمای آن چهار در پنجره چوبی که با قوس سه مرکز پاتوپا تزیین یافته مشاهده می شود. این تکیه در محله‌ی سرحمام قرار دارد. نمای این تکیه قرینه است و چهار پنجره چوبی دارد. طاقچه‌های روبه روی پنجره‌ها پنج عدد و طرف مقابل کفش کن سه عدد است.

فضای تکیه از یک تالار (اتاق بزرگ) و یک آبدارخانه و کفش کن تشکیل شده و کفش کن به صورت زائده‌ای به آن اضافه شده و در نمای آن کاملاً مجزا است و بر دیوارهای آن آیات قرآن و تصاویری از ائمه به چشم می خورد (مسجد کاظم بیک در سال ۱۰۹۲ ساخته شده است).

تکیه مقری کلا، بندپی بابل

این تکیه در روستای مقری کلا در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شهر بابل واقع است. در نشریه‌ی صفا شماره ۲۵ مقاله «یادگاری از گذشته» این تکیه به شرح زیر معرفی شده است.

«تکیه، بنای آجری دو طبقه‌ای است که سقف شیبدار ساده سفالی دارد. محوطه‌ی اطراف آن را دیوار آجری کوتاهی با سرپوشی سفالی از بیرون جدا می‌کند. دیوار حصار از داخل طاقنما سازی شده اما از بیرون ساده است. فضای داخل چهار دیوار حصار، محوطه‌ی مستطیل شکل پروسعتی است که ساختمان تکیه در غرب آن واقع شده و به این‌گونه صحن وسیعی در سمت شرق بنا پدید آمده است. در مقابل، فاصله ساختمان تا حصار در سه ضلع غرب و شمال و جنوب اندک است. به این ترتیب هر چند ساختمان در میان فضای بازنشسته است و به هر چهار طرف پنجره دارد اما توجه و نگاه خود را به سمت شرق و به صحن اصلی معطوف داشته و در آن چهره گشوده است.

صحن، در سه سوی مقابل ساختمان، سه ورودی دارد. ورودی جبهه شرقی درست مقابل ایوان اصلی بنا قرار گرفته و به مدد آن محور اصلی



تکیه کاظمینک

بالای پلورها تخته‌کوبی است. بر تخته‌ها نقش‌های مختلف بدین شرح است:

جبرئیل، خورشید، دیو، بدن‌های انسانی یا سرهای نظیر سگ، شغال ماهی - پرندگان مختلف، اژدها، سرطال که یکی از آنها با سبیلی بزرگ است، چهار تفنگچی، شیری که بر پشت آهو حمله کرده است، حبس، مردی قلیان بدست، شکارچی با تفنگی سرپر دوازه‌کش که با اره‌کنده‌ای را اره می‌کند، مالک عذاب، پرنده‌ای که دنبال ماهی بزرگی را در دهان گرفته، ماهیگیر، رستم و دیو سفید، دختری که گاوی می‌دوشد، اسرافیل مشغول دمیدن در صور، سرو، بچه، اسب، نامه عمل خوب که به دست فرشته‌ای است و بر آن نامه نوشته است. مشهدی محمدعلی خان و کربلایی یوسف و کربلایی تقی، فرهاد کوهکن، چوپان با گوسفندان، زارع در حال درو، شیرین بر سر جان‌کندن فرهاد، زن زیبایی که بر گردن او مار پیچیده است، فیل، ماری که دور مرغی پیچیده است.

بر یکی از تخته‌های سقف با خطی خوش نوشته است:

بانی این سقالاتار مشهدی علی خان

عمل نجاری از مشهدی داداش نوائی «سنه ۱۳۰۶»

گرداگرد این فضای راهرویی است که پهنای آن در حدود یک

مجموعه را شکل داده است. کشیدگی صحن در امتداد این محور اهمیت آن را دوچندان می‌نماید. دو ورودی شمالی و جنوبی صحن، محور متعامد با محور اصلی راتشکیل می‌دهند و به این ترتیب اصل دو محور عمود بر هم در این صحن به شکلی متفاوت با معمول تحقق یافته است.»

کیجا تکیه

در حال حاضر ساختمان کیجا تکیه کاملاً تخریب و بازسازی شده است. در کتاب از آستارا تا استرآباد صفحه ۲۹۶ آمده است:

... «اما سقالاتار آن بسیار زیباست و به جرأت می‌توان گفت که زیباترین و پرکارترین سقالاتاری است که تاکنون دیده شده است. این سقالاتار شامل دو قسمت اصلی بالا و پائین است. قسمت بالا فضایی است به پهنای ۳ و درازای چهار متر که اطراف آن چهارده ستون لاج‌لنگری مارپیچ بسیار ظریف است. شش سرستون آن‌ها دهان‌اژدری است و در مابقی به جای نقش دهان‌اژدری کلمات یا قاضی‌الحاجات را با خط عکس حک کرده‌اند. سقف این قسمت دوردیو شیر سرظریف پرکار تراش‌دار دارد و بالای آنها هشت پلور نیم‌گرد با نقش تراشیده‌ای در وسط کشیده‌اند

متر است: قسمت زیرین این سقاناتارا چون روغن زده بودند بسیار تر و تازه بود. نقش و نگار این قسمت کمتر از قسمت بالاست. این قسمت شامل ده ستون است که دو به دو نقش‌های کنده‌کاری‌های آنها یکی است. دو عدد از آنها لاج‌لنگری مارپیچ و دو عدد لاج‌لنگری هفت و هشت و مابقی ستون‌های چهارسوی پخ زده است که وسط آنها نقش کنده‌کاری دارد. سرستون‌های چهارکنج، دهان ازدری است که ازدهای آن را از داخل رنگ‌آمیزی کرده‌اند و سر هر ازدهایی شاخی از چوب دو سه شاخه نظیر شاخ گوزن است شاخ‌های ازدها به طرف پایین است.»

بر تخته‌ای از سقف با خط خوش نستعلیق نوشته شده است:

هر ره القاضی حاجی آقا بار فروش سنه ی ۱۳۰۶

به این ترتیب می‌توان گفت: در شهر بابل مکانی که حسینیه نامیده شود وجود ندارد ولی تکیه به هر دو صورت موقتی و دائمی مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه از تکیه‌های موقتی خانه آقای خلیل رحمانی را می‌توان نام برد. تکیه‌های دائمی در این شهر از نظر کالبدی به طور معمول از یک فضای اصلی و یک الی چهار فضای فرعی (راهرو، کفش‌کن و انبار) تشکیل شده است که دارای یک سقانفار می‌باشند و تنها یک نمونه (مقری کلا) ترکیب فضایی فوق را ندارد و فاقد معماری ویژه‌ای برای این عملکرد است. قابل ذکر است که این تکیه در روستایی خارج از شهر بابل قرار دارد و نقشه‌ی آن کاملاً مشابه منازل مسکونی از جمله منزل آقای خلیل رحمانی است که از فضای تالار و شاه‌نشین و گوشوار... تشکیل شده است و احتمالاً خانه‌ی اربابی بوده که به طور دائم وقف مراسم عزاداری به صورت تکیه شده است. با معرفی نوع خاص تکیه‌های معرفی شده در شهر بابل تعداد انواع تکیه‌های دائمی مورد بررسی که در ابتدای بحث چهار نوع معرفی گردیده بودند به پنج نوع افزایش می‌یابد.

به این ترتیب می‌توان تعریف زیر را برای حسینیه و تکیه در شهرهایی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند ارائه نمود:

حسینیه، مکانی است دائمی، کاملاً مذهبی، صرفاً برای عزاداری ماه محرم، هیچ قید شرعی بر این فضا حاکم نیست، گاهی کاملاً مستقل، محصور و نیمه خصوصی است و در بعضی موارد به صورت بخشی از فضای عمومی یعنی جزئی مهم از یک گذر اصلی و محصور محسوب می‌گردد و گاهی ترکیب این دو می‌باشد. حسینیه سه نوع دارد.

تکیه، مکانی است گاهی دائمی، گاهی موقتی، نوعی دائمی آن عمدتاً مذهبی است، اغلب برای عزاداری ماه محرم و در بعضی موارد برای اعیاد و یا امور اداری و یا امور تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، فضای آن در نمونه‌هایی مستقل و محصور و نیمه خصوصی است، جنبه بخشی از گذرگاه بودن که به آن خصلت فضای شهری می‌بخشد نیز با

۱۲۸ حسینیه یکسان است.



اهل ماتم (آواها و آیین سوگواری در بوشهر)

محسن شریفیان

نشر دیرین

از آنجایی که موسیقی سوگواری نسبت به دیگر فرم‌های موسیقی محلی بوشهر، کمتر تغییر یافته و تقریباً تا به امروز به شکل آغازین خود باقی مانده است، بررسی آن دسته از آیین‌های سوگواری مذهبی که در آنها به نوعی از موسیقی استفاده شده کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. این کار ضمن ثبت این نوع مراسم و موسیقی برای رسیدن به رگه‌های اصیل و باستانی موسیقی بوشهر مؤثر و مفید خواهد بود. در واقع این اثر دریچه‌ای است برای علاقه‌مندان تا در نگاهی گذرا، آواها و آیین سوگواری در بوشهر را از نظر بگذرانند.

مؤلف تلاش کرده است به معرفی و بررسی موسیقی سوگواری در بندر بوشهر پرداخته و کاربرد آنها را در آیین مذهبی این بندر کهن، همراه با تشریح جنبه‌های نمایشی و مردم‌شناسی این رسوم ارائه دهد و در مواردی نیز به مقایسه‌ی تطبیقی دست بزند. اطلاعات حاضر در این مجموعه مبتنی است بر: